

و آن "شش روز"

به بهانه سالگرد ۱۸ تیر ۷۸



۱۵ ژوئیه ۲۰۱۹ - ۲۴ تیر ۱۳۹۸
دوشنبه ها منتشر میشود

رویدادهای هفته

امان کفا

انتخابات در یونان

در انتخابات سراسری یونان، حزب راست و محافظه کار "دمکراسی نو" انتخاب شد. رای ندادن اکثریت مردم به حزب چپ یونان "سریزا"، نشانگر اعتراض به عدم اجرای وعده های انتخاباتی دور قبل سریزا و ادامه سیاست ریاضت اقتصادی در یونان بود. حدود ۴ سال پیش، سریزا بر متن اعتراضات سراسری و اعتصابات کارگری، به عنوان نماینده مخالفت با سیاست ریاضت اقتصادی و مقابله با تضییقات بانک ها، و مشخصا نهادهای و بنیادهای مالی اروپایی، انتخاب شد.

انتخاب "سریزا" و قدرتگیری یک حزب چپگرا، ابزار جنبشی اجتماعی برای مقاومت با سیاستهای راست مالی اروپا و امید به تغییرات رادیکال در یونان بود. امید به متحقق شدن رفاه و تامین یک زندگی انسانی و مرفه برای اکثریت مردمی که زیر بار سیاست ریاضت اقتصادی کمرشان خورده شده بود. سریزا اما ناتوان از متحقق کردن وعده هایش صرفا به فرم هایی محدودی بسنده کرد و سیاست ریاضت اقتصادی را پذیرفت و به اجرا در آورد.

از طرف دیگر، بورژوازی یونان دیگر امروز و بالاخص پس از فروکش کردن اعتراضات وسیع و توده ای ۴ سال پیش، خواهان حکومت و دولت احزاب رسمی و سنتی راست است. به این معنی، شکست انتخاباتی سریزا از پیش معلوم بود. اما آنچه دوره حکومت سریزا نشان داد، پایان یکدوره بود.

حزب سریزا در دهه اخیر، نماینده چپ یوپولیست در اروپا، و در حقیقت آخرین پلکان و رادیکال ترین احزاب سوسیال دمکراسی بود که برپایه اعتراضات عمومی به حکومت رسیده بود. مردم یونان نیز این بار، تجربه مردم

صفحه ۳

۱۸ تیر ۷۸، به شش روزی که رژیم دیرباوری فرو کرد. نیروی اعتراض طلبان"، تجمع برای "سالگرد اسلامی را لرزاند معروف است. همان نهفته در پایین، اینبار در پاسخ معدود صحنه ها که در آن "شش یورش اوباش اسلامی به کوی روز" از رسانه های جمهوری اسلامی دانشگاه سر باز کرد؛ مقاومت همیشه" تحویل میگرفتند.

پخش شد و به صدر اخبار دنیا راه جسونانه دانشجویان و حمایت یافت، کافی بود تا موجودیت رژیم با جانانه مردم، روبرویی کوی را سریعا سوال خطیری مواجه شود: "آیا نظام به جنگ و تعرض خیابانی علیه با خطر سرنگونی مواجه است؟". آن کلیت جناح های رژیم تبدیل کرد.

"شش روز" سرفصل جدیدی از مبارزه مردم ایران برای سرنگونی ملی" نام میبرد، مردم در عوض او را رژیم اسلامی است؛ پیام روشن بود: در کنار پینوشه و شاه قرار میدادند؛ "مشکل نظام، خود نظام است!"; خاتمی در مقابل لاجوردی جلا در خروش شعارها و جنگ خیابانی در کمر خم میکرد، مردم، تهران را با تهران و ۱۸ شهر دیگر، پیام فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید سرنگون باد! را به گوش هر گرد" می لرزاندند. "اصلاح

صفحه ۴

صفحه ۳

صفحه ۴

صفحه ۵

در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران

حمله جمهوری اسلامی به اپوزیسیون محکوم است

اسرای طبقه کارگر را آزاد کنیم!

طبقه کارگر و بازگشت به سیل گلستان

مصطفی اسدپور



بنا به اظهارات کریم یآوری، مدیرکل مصونیت کامل از لزوم اثبات حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری ادعاهای خود دقیقا بخاطر صندلی وزارت کار در سایت خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، تعداد ۱۴۸۰ نفر از کارگران مناطق سیل زده خبرگزاری ایلنا حرجی نیست مقررری بیمه بیکاری دریافت می دارند. این اظهارات در تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۹۸، یعنی دقیقا سه ماه و سیزده روز پس از شروع سلسله سیلابهای گلستان و شش استان مجاور درج شده است. از آقای سراسر، با فرض یک آدم فهیم میگذشت. انتظار می رود، حتی با وجود بنا به اظهارات کریم یآوری، مدیرکل مصونیت کامل از لزوم اثبات حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری ادعاهای خود دقیقا بخاطر صندلی وزارت کار در سایت خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، تعداد ۱۴۸۰ نفر از کارگران مناطق سیل زده خبرگزاری ایلنا حرجی نیست مقررری بیمه بیکاری دریافت می دارند. این اظهارات در تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۹۸، یعنی دقیقا سه ماه و سیزده روز پس از شروع سلسله سیلابهای گلستان و شش استان مجاور درج شده است. از آقای سراسر، با فرض یک آدم فهیم میگذشت. انتظار می رود، حتی با وجود

برای درک اهمیت اظهارات "مدیر کل" ما، کافی است بخاطر بیابوریم که در این سیل دهها شهر و تعداد نامعلومی از روستاها در قریب ۲۱ استان کشور زیر آب رفتند. سیل مربوطه با اولین اخبار رسیده از قربانیان خود از میان مناطق کارگری، چهره یک فاجعه، با رنگهای تند طبقاتی را بر خود گرفت. مناطق فقیر نشین بدون هیچ دفاعی، مردمانی بهت زده که با کودکاننشسته بر دوش والدین خویش (در تنها امن ترین نقطه

آزادی برابری حکومت کارگری

کنیم، آنوقت هنوز باید دعا بجان وزیر کار و مرحام عالی جنابانه ایشان در گرماگرم روزهای سیل کنیم که بنام نامی دولت مقرر فرمودند بیمه بیکاری مستقل از سابقه پرداخت حق بیمه از جانب کارفرما (یعنی عملاً حتی مورد قراردادهای موقت و کارفرماهای کلاش) شامل حال همه کارگران خواهد شد!

اکنون و با بیان ۱۴۸۰ نفر، از میان کارگران ده هزار مرکز تولیدی، صدها هزار کارگر بیکار و قالی باف و مردم بی پناه ساده ترین انتظار این باشد که مقامات عالیه مملکت و در راس همگی وزار کار و پادوهای "خانه کارگری" آنها میتوانستند خفه خون بگیرند. مگر نه اینستکه هر چه که نشانی از کمک و نجات و امداد بر خود داشت فقط و فقط حاصل همیاری مردم زحمتکش از دور و نزدیک بود؟ مگر نه اینستکه قربانیان سیل جز بار سهمگین نجات خود و همسایگان و همونوعان خود؛ لاشه سنگین دستگاه دولتی و نظامی را نیز بر دوش خویش یافتند؟ انتظار ذره ای از شرف و انسانیت؛ انتظار یک سر سوزن تعهد و مدنیت از این جماعت بی جاست. اینها، این چهره ها، این سیاست ها، اشک تمساح ریختن ها، عبارتها، چرندیات و وعده های آنها را با موارد زلزله بم، با فاجعه کشتار معدن آزادشهر؛ نعل به نعل مشابه یکدیگر به خاطر میاورید؟

آینچه باید بخاطر آورد اینستکه این چهره ها و سناریوها اجزای بهم پیوسته طبقه حاکم است که متحدانه حاکمیت سرمایه را از یک شرایط بحرانی بگذرانند. آنچه باید بخاطر آورد سازمان، یکپارچگی و شم طبقه حاکم از کارفرماها، روزنامه نگار خرده پا تا وزرا و پاسبان و نعش کش است که دست بدست هم بار فاجعه را بر دوش کارگر و زحمتکش خراب کنند. هدف مشترک و مقدس آنها بسادگی اینستکه به اندازه یک سیل طبقه کارگر را ضعیف تر و پراکنده تر بیرون بیاورند. حال که آب از آسیاب جناب وزیر افتاده چه کسی جوابگوی بیمه بیکاری ۹۵ درصد مابقی کارگران بیکار است؟ بپرسیم تکلیف کارگران در مقابل همیاری با هجوم آب آغاز شد و با طغیان بیکاری به کار خود پایان داد. مطابق تحقیقات وزارت صنایع و معادن منتشره در ۲۲ فروردین ماه ۱۰۰ واحد صنعتی در استان گلستان، ۳۰ واحد در مازندران، ۸۰ واحد در ایلام، ۱۲۵ واحد در لرستان، ۳۰ واحد در کرمانشاه و ۱۷ واحد در چهارمحال بختیاری خسارت دیده اند که در مجموع این ۶ استان ۳۸۲ واحد صنعتی متضرر شده اند." ("جزئیات خسارت سیل به واحدهای صنعتی و صنفی"، سایت خبری خبرنگاران جوان، همان تاریخ) این ارزیابی هنوز شامل استان خوزستان با توده عظیم کارگاههای تولیدی نبود. اخبار تکمیلی حکایت از ۸۷۲۷ واحد صنعتی آسیب دیده داشت.

قرب چهار ماه پس از فاجعه که همه شبکه خدمات و لجستیک کارکرد زندگی فردی و اجتماعی مناطق سیل زده هنوز در گل فرو رفته است و از وعده های کذایی مسئولان کمتر نشانی میتوان سراغ گرفت، ذوق زدگی مدیر کل وزارت کار قابل فهم است. وزارت خانه ایشان حق دارد بخود ببالد چرا که یک فاجعه بزرگ انسانی، در یک کشور صنعتی و در قلب مناطق بزرگ کارگری را با یک فقره خبر مبنی بر بیمه بیکاری برای ۱۴۸۰ نفر پشت سر گذاشته است. تازه این "خبر" از یک "اقدام" نیست؛ این یک ادعا است و کافی است در کنار خوراها مفت گویی روزمره درباره بیمه های کارگری قرار گیرد. حتی اگر به صحت این رقم باور

خرده فرمایشات "پسا سیل" کارفرمایان برای کار بیشتر و چشم پوشی از دستمزدها چیست؟ یقه چه کسی را باید گرفت، دست دعا باید به کدامین آسمان برداشت، بازسازی و لایروبی خانه ها و محلات چه شد؟ تکلیف مدارس، ایاب و ذهاب شهری، درمانگاه های فکسنی محلات چیست؟ سیل آمد و رفت، در این جهنم دره اسلامی سرمایه، آیا دولت، قانون، امنیت، نان و بهداشت را هم با خود برد؟

جا دارد وعده های صد من یک غاز حضرات حکومتی برای کارگران سیل زده را با اعانات دولا پنهان به کارفرمایان سیل زده مقایسه کرد. تخفیف های مالیاتی، سوبسید در تعرفه های برق و سوخت، مصوبه خارج از نوبت مجلس در معافیت از سهم بیمه شاغلین واحدهای تولیدی آسیب دیده؛ تنها بخشی از تحمیل مخارج لطمات سیل به گرده کل طبقه کارگر در ایران را تشکیل داد. بورژوازی ایران طبقه کارگر را دست بسته به قربانگاه قهر طبیعت برد، از فاجعه سکوی پیشروی بیشتر علیه قربانیان آن ساخت. تا سیل در کار نبود برکت این مراکز تولیدی جز در قلمرو قراردادهای سفید، درزندشت تولید و بازتولید تباهی و بردگی زیر خط فقر جای دیگری نداشت. جا دارد پرسید چرا کارگر باید برای بازگشت همان بیغوله های استثمار و به نام اشتغال منت بکشد و تیغ زده شود؟

پژواک این سوالات سرشار از همه حقانیت نهفته در آن در وجه به وجه مناطق سیل زده، بیشتر از همیشه طنین انداز است. کافی است نه فقط عمق ردالت اعوان و انصار حکومتی سرمایه بلکه تکاپوی آنها برای خنثی کردن فضای اعتراضی و حق طلبانه جهت رسیدگی به وضعیت مصیبت زدگان را بخاطر بیاوریم. همین امروز الگوهای عموها و خاله های طبقاتی و ندای مشت بر گنبد دوار آنها را از زبان هفت تپه و "گام" به جلوی صحنه ببریم.

اعتراضی و حق طلبانه جهت رسیدگی به وضعیت مصیبت زدگان را بخاطر بیاوریم. (هیاهو بر سر سد و ساختمان سازی میان گروه بندی های درون رژیم و اپوزسیون ضد رژیمی را باید به حساب خود آنها نوشت)، اما اشتباه است فقدان غلبه فضای اعتراضی را به حساب خوش باوری و توهم میان صفوف مردم زحمتکش گذاشت. بر خلاف تصور معوج جاری دلیل آن ترس

در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران

گزارش آکسیون ۱۳ ژوئن ۲۰۱۹ در شهر گوتنبرگ



روز شنبه ۱۳ ماه ژوئن به فراخوان حکمتیست (خط رسمی) یکی از نیروهای سیاسی در شهر گوتنبرگ سخنرانان در این آکسیون بود. وی ضمن آکسیونی در دفاع از کارگران زندانی و قدردانی از حضور شرکت کنندگان در زندانیان سیاسی در ایران برگزار گردید. این تجمع در مورد وزن و جایگاه طبقه در این تجمع سخنرانی هایی به زبان کارگردر دوره اخیر و هراس جمهوری سوئدی و فارسی از طرف شرکت اسلامی از این حضور قدرتمند، از افق کنندگان ارائه شد. شرکت کنندگان روشن آن، از اعتماد به قدرت طبقاتی

ضمن اعتراض به ادامه بازداشت فعالین خود سخنرانی کرد. کارگری، باسردادن شعار خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی و همچنین آزادی فعالین زنان، معلمان، دانشجویان و سایر زندانیان سیاسی شدند.

۱۳ ژوئن ۲۰۱۹

محمد فتاحی از رهبری حزب

رویدادهای هفته

ندانسته و خواهان ملغی شدن این جواز این کشور بیانجامد، در هراس اینکه بود، بلکه برکناری هیئت گرداننده هنگ کشیده شدن اعتراضات هنگ کنگ به داخل چین، می تواند جرقه ای و شروعی خسارت بابت سرکوب معترضین شده برای اعتراضات طبقه کارگری باشد که با حرکت خود، کل معادلات سرمایه را در

بعد جهانی به مصاف و چالش بکشاند، سکوت و پائین کشیدن پرچم "دفاع از دموکراسی" را انتخاب کرد.

چین بکشند. این همان زنگ خطری است که نه تنها دولت چین، بلکه کل بورژوازی جهانی را به هراس انداخت. یکباره "انتقاد" دولتهای غربی به "دموکراسی چینی"، رنگ باخته و تبدیل به سکوت شد. ادامه و کشیده شدن این اعتراضات به چین، خط قرمز کل بورژوازی جهانی است که رشد خود را مدیون کار ارزان و کارگر خاموش در چین است. به این اعتبار، هرگونه تغییر در تناسب قوای طبقاتی در چین، هرگونه بهم خوردن این جزیره آرامش بورژوازی جهانی، آنهم در کشوری با جمعیت نزدیک به یک پنجم کل جمعیت دنیا، "خطری" است که تولید و بازتولید سرمایه در سراسر دنیا را تحت تاثیر قرار میدهد.

العموم در ابتدا، با پشتیبانی از تظاهرات کنندگان اعلام کردند که این اعتراضات ناشی از "عدم وجود دموکراسی" در چین است و خواهان عدم دخالت نظامی چین در دولت چین نیز ضمن حمایت از مسئولین اداره هنگ کنگ به تظاهرات کنندگان اخطار داد که حاضر به جایگزین شدن "حکم قانون با هرج و مرج" رضایت نخواهد داد. با ادامه اعتراضات و مشخصا بریتانیا که تا دو دهه پیش هنگ کنگ را از چین اجاره کرده بود، همصدا با چین، به تظاهرات کنندگان هشدار داد که اعتراضات خود را در چهارچوب قانون نگه دارند و "خشونت" را محکوم کردند!

حمله و اشغال ساختمان مجلس این کشور، همه دولت های غرب و شرق، و مشخصا بریتانیا که تا دو دهه پیش هنگ کنگ را از چین اجاره کرده بود، همصدا با چین، به تظاهرات کنندگان هشدار داد که اعتراضات خود را در چهارچوب قانون نگه دارند و "خشونت" را محکوم کردند!

یونان و شکست چپ پوپولیست در آن یکبار دیگر نیاز به یک حزب کمونیستی، حزبی که نه با پرچم رفرمهای رادیکال، و نه با اتکا به پارلمان و انتخابات، بلکه با پرچم انقلاب کارگری و با خلع ید از بورژوازی در همه وجوه آن قدرت را بدست گیرد. شکست سریزای یکبار دیگر نیاز به اعمال اراده مستقیم و قدرتمند طبقه کارگر، نیاز به وجود حزبی کارگری و کمونیستی را در مقابل طبقه کارگر اروپا و کمونیستها قرار داد.

اعتراضات در هنگ کنگ

اعتراضات در هنگ کنگ که علیه قانون استرداد "مجرمان" به چین آغاز شد، همچنان ادامه دارد. دول غربی علل

زنده باد کمونیسم

و آن "شش روز"

در آن مقطع، دو سال و نیم قبل از آنکه کرده است! بارقه های انقلاب نوینی که از دیماه ۹۶ سوت آن به صدا در آمده است شکست های شخصی خود را به جای قالب های تنگ "اصلاح طلب" و "هم تاریخ میگیرند، خیال میکنند که با دست بدست شدن قدرت از بالا، دوباره میتوان هر تکان عظیم اجتماعی برای به کرسی گودالوپ دیگری و خمینی دیگری را به نشاندن مطالبات فروکوفته مردم ایران علیه حاکمیت، مهر سوسیالیست ها و رهبران طبقة کارگر را بر خود دارد. نیروی عظیم طبقة کارگری که شاه‌رگ تولید و بازتولید زندگی مادی جامعه را در دست دارد و میباید جامعه را بر سرنوشت خویش حاکم کند، به انتظاراتی عظیم تر از مطالبات ۱۸ تیر چشم دوخته است. اکنون با قد علم کردن طبقة کارگر در صحنه سیاست، تدارک انقلاب آتی علیه کل سرمایه داری در ایران صاحب پیدا کرده است. این روزها منافع طبقاتی شفافیت بیشتری یافته اند؛ آلترناتیو سوسیالیستی در عرصه سیاست صاحبخانه است؛ این نوع جسارت در بیان و تحمل آلترناتیو سوسیالیستی به جمهوری اسلامی و کل بورژوازی ایران را رهبران رادیکال سوسیالیست طبقة کارگر به کرسی نشانده اند. جرقه ای که در ۱۸ تیر ۷۸ نتوانست جامعه و مناسبات اجتماعی آن را رهبری کند، اما امروز در پس خیزش های دیماه و به دنبال رویدادهای عظیم در هفت تپه و فولاد اهواز، تنها نقطه امید میلیونها انسان در عبور جامعه از اوضاع بحرانی امروز است. فقط سنن و گرایشات طبقة حاکم که در حفظ دنیای کهن دینفعد، مردم را از قیام علیه بالا "میتراسانند". فقط کوچک

در آن مقطع، دو سال و نیم قبل از آنکه خاتمی و دو خردادی ها سر کار آیند، بخش اعظم اپوزیسیون، خاتمی چی شد. اینها رابطه مردم ایران با رژیم اسلامی و مطالبات آنها را بد فهمیدند و کماکان هم نفهمیدند؛ رادیکالیسم مردم قابل مهار نیست؛ مردم حجاب نمی خواستند و نمیخواهند؛ مردم حزب و اتحادیه و روزنامه میخواهند؛ مردم فقر و بیکاری و فحشاء نمیخواهند؛ مردم حکومت دینی نمیخواهند؛ مردم حقوق مدنی و فردی وسیع میخواهند؛ مردم دستمزد و حقوق با قدرت خرید واقعی و کافی میخواهند؛ امنیت اقتصادی میخواهند؛ آزادی زندانیان سیاسی را میخواهند؛ مردم برابری زن و مرد در جامعه را میخواهند؛ طب رایگان میخواهند، مسکن و آموزش و پرورش مناسب میخواهند؛ مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند، سر کسی را نمیشود کلاه گذاشت. در میان اپوزیسیون اما فقط ما کمونیستها با قاطعیت به افشای خاتمی و خاتمی چون پرداختیم و بر لزوم سرنگونی کل رژیم اسلامی پای فشرديم. بعد از آن "شش روز" معلوم شد که ارزیابی و تحلیل کمونیستها از تناقض ذاتی جناح "دوم خرداد" به سرکردگی "مردی در عبای شکلاتی" با تمایلات مردم چه ریشه های عمیقی در واقعیت داشت.

"شش روزی" که خیلی ها را لرزاند، اما ریشه های ما و طبقة کارگر و مردم آزادیخواه در ایران را محکم و محکمتر کرد. در آن مقطع، دو سال و نیم قبل از آنکه خاتمی و دو خردادی ها سر کار آیند، بخش اعظم اپوزیسیون، خاتمی چی شد. اینها رابطه مردم ایران با رژیم اسلامی و مطالبات آنها را بد فهمیدند و کماکان هم نفهمیدند؛ رادیکالیسم مردم قابل مهار نیست؛ مردم حجاب نمی خواستند و نمیخواهند؛ مردم حزب و اتحادیه و روزنامه میخواهند؛ مردم فقر و بیکاری و فحشاء نمیخواهند؛ مردم حکومت دینی نمیخواهند؛ مردم حقوق مدنی و فردی وسیع میخواهند؛ مردم دستمزد و حقوق با قدرت خرید واقعی و کافی میخواهند؛ امنیت اقتصادی میخواهند؛ آزادی زندانیان سیاسی را میخواهند؛ مردم برابری زن و مرد در جامعه را میخواهند؛ طب رایگان میخواهند، مسکن و آموزش و پرورش مناسب میخواهند؛ مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند، سر کسی را نمیشود کلاه گذاشت. در میان اپوزیسیون اما فقط ما کمونیستها با قاطعیت به افشای خاتمی و خاتمی چون پرداختیم و بر لزوم سرنگونی کل رژیم اسلامی پای فشرديم. بعد از آن "شش روز" معلوم شد که ارزیابی و تحلیل کمونیستها از تناقض ذاتی جناح "دوم خرداد" به سرکردگی "مردی در عبای شکلاتی" با تمایلات مردم چه ریشه های عمیقی در واقعیت داشت.

برای "معیشت" میشود دستمزد و بیمه بیکاری برای مردم، و نه "توسعه سیاسی" خاتمی به آنها وعده آزادی اعتصاب و بیان و رها شدن از شر حکومت مذهبی میدهد. اهمیت وقایع ۱۸ تیر ۷۸ در این بود که مردم رسماً حکم به رفتن کلیت رژیم اسلامی دادند؛ این حکم را کف دستش گذاشتند.

حمله جمهوری اسلامی به اپوزیسیون محکوم است

امروز چهارشنبه ۱۹ تیرماه (۱۰ ژوئیه) مقرات حزب دمکرات کردستان ایران و حزب دمکرات کردستان در سیدکان و آلاسه در ناحیه چومان کردستان عراق توسط توپخانه سپاه پاسداران مورد حمله قرار گرفت. بنا به خبر در این گلوله باران دو تن از اهالی منطقه جان باخته اند. حمله سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به اپوزیسیون بهر بهانه ای یک اقدام جنایتکارانه برای تضعیف روحیه مردم و ابراز قدرت در مقابل مخالفین خود است. باید با تمام قدرت در مقابل این قلدری ایستاد. این اقدام رژیم بعلاوه هشدار به احزاب اپوزیسیون است که امنیت نیروهای خود را تامین و تضمین کنند. هر گونه توهم به رژیم و باز نگه داشتن گارد در مقابل حملات نظامی اش، موجب خسارت جانی جنایتکارانه می داند و آن را به شدت محکوم می کند. ما از احزاب اپوزیسیون رژیم در کردستان می خواهیم که برای حفظ امنیت نیروهای خود، این هشدارها را جدی گرفته و از هیچ اقدامی کوتاهی نکنند. مستقردر خاک کردستان عراق را چند برابر کرده است. دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)، حملات جمهوری اسلامی به اپوزیسیون را عملی تروریستی و جنایتکارانه می داند و آن را به شدت محکوم می کند. ما از احزاب اپوزیسیون رژیم در کردستان می خواهیم که برای حفظ امنیت نیروهای خود، این هشدارها را جدی گرفته و از هیچ اقدامی کوتاهی نکنند. مستقردر خاک کردستان عراق را چند برابر کرده است. دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)، حملات جمهوری اسلامی به اپوزیسیون را عملی تروریستی و جنایتکارانه می داند و آن را به شدت محکوم می کند.

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدبیر: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب
[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

فیسبوک حزب
facebook.com/HekmatistX

رادیو نینا
radioneena.com

تلگرام رادیو نینا
[@Radionenna](https://t.me/Radionenna)

اینستا گرام رادیو نینا
instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی
hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو

آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

اسرای طبقه کارگر را آزاد کنیم!

دزدید. اختلاسگرید. اختکار می کنید. قاچاقچی موادمخدر هستید. شکنجه گرید. قاتلید، هر دو ساعت یک نفر را اعدام میکنید، کودکان ما را به زباله گردی، فقرا را به گورخوابی سپردید. چوب حراج به کارخانه ها و نیروگاه ها و اموال و داراییهای جامعه زدید. شما صلاحیت اداره جامعه را ندارید ما خود آنرا اداره می کنیم. ما طبقه کارگر و مردم را به تشکیل شوراهای کارگری و مردمی فرا می خوانیم و بساطتان را جمع می کنیم! این کیفرخواست طبقه کارگر ایران به کل طبقه حاکم و نظام سرمایه دارانه شان است.

کارگران، معلمان و همه انسانهای آزادیخواه در ایران نباید اجازه دهند اسرایشان بیش از این در بند بمانند. دستگاه قضایی سرکوب جمهوری اسلامی مسئولیت جان و سلامت زندانیان را برعهده دارد. دستگاه سرکوبی که جرات رودرویی با یک کارگر را ندارد، استیصال خود را با انتقامجویی و به خطر انداختن سلامت جان اسرای در بند، پاسخ می دهد.

آزادی کارگران و مبارزین سیاسی محبوب مردم سرلوحه مبارزات جاری جامعه است. ما باید در این جدال طبقاتی و در دفاع از آزادی و معیشت و رفاه و امنیت علیه دشمن زبون، پیروز شویم.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

۲۲ تیر ۹۸ (۱۳ ژوئیه ۲۰۱۹)

بنا به گزارش "کمپین حمایت از بازداشت شدگان هفت تپه و زندانیان ترقیخواه"، در دهمین روز اعتصاب غذای ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فرد و در حالی که نگرانی‌ها در رابطه با وضعیت سلامت آنان شدت گرفته، تلفن‌ها و تماس ساناز الهیاری برای بار دوم با خانواده قطع شد. درحالیکه در دو روز گذشته ساناز دوبار به بهمداری اوین اعزام شده و علیرغم افت شدید فشار خون، وی از دریافت دارو و سرم امتناع ورزیده است. دادگاه انقلاب تهران پیشتر کیفرخواست علیه متهمان اعتراضات هفت تپه را به آنان ابلاغ کرده بود. اتهامات دستگاه قضایی رژیم "عضویت در یکی از گروه‌های مخالف نظام"، "اجتماع و تبانی"، "تبلیغ علیه نظام" و "نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی" ذکر شده است و دادگاه بدوی این عزیزان ۱۲ مرداد برگزار خواهد شد.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای رهبران کارگری و معلمان، فعالین سیاسی و مدنی...، یک کیفرخواست رنگ باخته، سوخته، بی آبرو و آشنا برای همه مردم، در جیب و روی میز دارد. این کیفرخواست ورقه ننگینی است که برای هر معترض به وضع موجود و حتی کارگری که فقط حقوق معوقه اش را می خواهد، صادر می شود.

دستگاه سرکوب رژیم چهار دهه است مبارزات مردم را سرکوب می کند، اما هر روز طوفان درو کرده و امروز در مقابل قد علم کردن طبقه کارگر و اعتراض معلمان و بازنشستگان و مبارزان سیاسی مستاصل تر از همیشه کیفرخواست های سوخته را علم میکند. طبقه کارگر مدتها است کیفرخواست خود را علیه این نظام اعلام کرده است:

"شما حاکمان و مدافعان نظم سرمایه در یک تبانی تبهکارانه، سفره مردم را خالی، امنیت و سلامت جامعه را به حد فلاکت و کشتار جمعی رساندید. اکثریت جمعیت ایران را زیر خط فقر نگه داشتید، کل داراییهای مملکت را قبضه کردید. فاسدید.

مردم در شوراهای مستقل و مردمی خود متحد و متکفل شوید!